



این شماره تقدیم می‌شود به ساخت

شهید

اسماعیل هنیه

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۸۵
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵جبهه
انرژیکاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

تنگه هرمز و شوک قیمتی نفت

از تهدید ذخایر تجاری تا معماری تازه امنیت انرژی

یک متغیر تعیین‌کننده برای کل اقتصاد جهانی است. اگر بازار به این جمع‌بندی برسد که ایران، آمریکا و سایر بازیگران در مسیر یک رویارویی بزرگ‌تر قرار گرفته‌اند، رفتار سرمایه‌گذاران، پالایشگران و شرکت‌های حمل‌ونقل به سرعت به سمت پوشش ریسک، احتکار احتیاطی و افزایش قیمت‌های لحظه‌ای خواهد رفت.

جمع‌بندی این است که نفت ۱۵۰ دلاری دیگر صرفاً یک عدد روانی نیست؛ یک هشدار سیاستی است. وقتی ذخایر تجاری در کف قرار می‌گیرند، ظرفیت مازاد عرضه محدود می‌شود و گلوگاه‌های حیاتی مثل هرمز به کانون فشار سیاسی تبدیل می‌شوند، بازار آماده جهش‌های شدید است. این همان نقطه‌ای است که اقتصاد، امنیت و دیپلماسی به هم می‌رسند. اگر تنش‌ها مدیریت نشوند و روایت‌های سیاسی جایگزین توافقات واقعی شوند، بازار نفت خیلی سریع‌تر از آنچه تصور می‌شود، به محدوده‌های ۱۵۰ تا ۱۶۰ دلار حرکت خواهد کرد؛ و آن‌وقت، هزینه این بی‌ثباتی فقط بر دوش تولیدکننده یا مصرف‌کننده نخواهد بود، بلکه به کل نظم انرژی جهان سرایت می‌کند. ♦

ذخایر تجاری پایین آمده و ظرفیت مازاد عرضه نیز به شدت محدود شده است، هر اختلال در جریان عبور نفت از تنگه هرمز می‌تواند به سرعت به یک بحران قیمت جهانی بدل شود. هرمز نه فقط یک آبراه، بلکه شاهراهی است که نزدیک به یک‌پنجم نفت تجارت‌شده جهان از آن عبور می‌کند. به همین دلیل، هر اظهار نظر درباره بستن یا بازکردن این گلوگاه، حتی اگر در سطح جنگ روانی باقی بماند، اثر مستقیم بر منحنی قیمت‌ها دارد. بازار، پیش از آنکه نفت را ببیند، ریسک را قیمت‌گذاری می‌کند.

در این میان، نقش آمریکا و به‌ویژه لحن سیاسی دونالد ترامپ، بیش از هر زمان دیگری با منطق بازار درهم تنیده شده است. وقتی او از پایان محاصره دریایی، شرط‌گذاری بر سر برنامه هسته‌ای ایران و باز شدن فوری هرمز سخن می‌گوید، عملاً تلاش دارد معادله امنیت انرژی را به ابزار فشار سیاسی تبدیل کند. اما نکته مهم‌تر از خود این اظهارات، شکاف میان روایت سیاسی و متن واقعی توافق است. وقتی منابع آگاه طرف ایرانی می‌گویند ترامپ مفاد توافق را تحریف کرده و بندهایی مانند پرداخت فوری ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران یا آتش‌بس در لبنان را از پیش شرط‌ها حذف کرده است، معنای روشنش این است که هنوز هیچ سازوکار قطعی و تثبیت‌شده‌ای برای کاهش تنش وجود ندارد. در چنین وضعی، بازار نفت نه به وعده‌ها، بلکه به عدم قطعیت واکنش نشان می‌دهد.

این عدم قطعیت، دقیقاً همان چیزی است که خطر جهش قیمت را تشدید می‌کند. امروز ذخایر استراتژیک غرب، همچون ضربه‌گیر نهایی عمل کرده‌اند؛ اما این سپر هم محدودیت دارد. آزادسازی ذخایر، راه‌حلی موقت است، نه جایگزینی برای جریان پایدار عرضه. اگر طی دو تا سه هفته آینده، مصرف فصلی بالا برود، پالایشگاه‌ها با کسری خوراک مواجه شوند، یا هر نوع اختلال در مسیرهای دریایی رخ دهد، بازار وارد فاز شوک دومینویی خواهد شد؛ افزایش قیمت نفت خام، بالا رفتن هزینه پالایش، جهش نرخ فرآورده‌های میانی، و در نهایت فشار مستقیم بر قیمت بنزین، گازوئیل و سوخت جت. از منظر سیاست‌گذاری انرژی، این وضعیت یک درس روشن دارد: امنیت انرژی را نمی‌توان با اتکا به ذخایر اضطراری و مدیریت بحران کوتاه‌مدت پایدار نگه داشت. هرچه ذخایر پایین‌تر می‌آیند، وزن ژئوپلیتیک گلوگاه‌ها بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، تنگه هرمز نه فقط یک ابزار فشار برای بازیگران منطقه‌ای، بلکه

♦ | بازار جهانی نفت بار دیگر در آستانه یک شوک ژئوپلیتیک ایستاده است؛ شوکی که این بار نه از سمت کاهش تدریجی عرضه، بلکه از هم‌زمانی سه متغیر خطرناک شکل گرفته است: افت شدید ذخایر تجاری در آمریکا و غرب، فشار سیاسی بر گلوگاه‌های انرژی، و بازگشت تنش در پرونده ایران و تنگه هرمز. وقتی مقام ارشد اکسون موبیل، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهان هشدار می‌دهد که ذخایر تجاری نفت خام، بنزین، گازوئیل و سوخت جت به سطوح بسیار پایین رسیده و تنها با آزادسازی ذخایر استراتژیک جبران شده‌اند، این هشدار صرفاً یک جمله مدیریتی نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از شکنندگی ساختار تأمین در بازار جهانی. اگر این وضعیت ظرف دو تا سه هفته آینده تشدید شود، جهش برنت به محدوده ۱۵۰ تا ۱۶۰ دلار دیگری سناریوی دور از ذهن نخواهد بود، بلکه به یک احتمال کاملاً قابل معامله در بازارهای آتی تبدیل می‌شود.

نکته کلیدی اینجا است که بازار نفت بیش از آنکه به عدد تولید حساس باشد، به ذهنیت امنیت عرضه واکنش نشان می‌دهد. در شرایطی که

سیاست کلان

دیپلماسی در بن بست؛ جنگِ توافق نامه جعلی و تحریم‌های تازه

میدان اما چیز دیگری می‌گوید: وزارت خزانه‌داری آمریکا نه تنها اعلام کرده هیچ گزینه لغو تحریمی روی میز نیست مگر با بازگشایی کامل تنگه، بلکه در اقدامی هم‌زمان، ۲۵ تحریم جدید علیه ۱۶ شرکت، ۸ کشتی و ۱ فرد مرتبط با فروش نفت ایران وضع کرده است. این شکاف میان ادعای توافق ترامپ و واقعیت تحریم‌های خزانه‌داری، نشان می‌دهد که دیپلماسی در حال حاضر به ابزاری برای مدیریت روانی بازار تبدیل شده، نه یک مسیر برای حل و فصل راهبردی اختلافات.

آرایش سیاسی پیرامون توافق احتمالی ایران و آمریکا وارد فاز تازه‌ای از ابهام و تناقض شده است. در حالی که دونالد ترامپ با هوشمندی ژورنالیستی سعی دارد با اعلام اخباری مبنی بر پایان محاصره دریایی و نابودی مواد هسته‌ای قیمت نفت را کنترل کند، منابع آگاه در تهران و همچنین بررسی‌های دقیق، این ادعاها را تحریف‌شده می‌خوانند. تهران نه تنها تمدید آتش‌بس ۶۰ روزه را به دلیل نقض‌های مکرر رد کرده، بلکه گزارش‌های آکسیوس مبنی بر توافق نهایی را جعلی خوانده است. واقعیت کف

لجستیک و تاب‌آوری زیرساختی

شکست محاصره در خشکی؛ وقتی ریل‌ها و نیروگاه‌ها جای تنگه را می‌گیرند

نیروگاه اتمی بوشهر با تولید مستمر ۱۰۰۸ مگاوات برق، همچنان به عنوان یکی از پایدارترین واحدهای نیروگاهی، نقشی حیاتی در پایداری شبکه ایفا می‌کند. این اقدامات نشان می‌دهد که برخلاف تصور غرب از فشار خفگی، ایران در حال بازآرایی شریان‌های لجستیک خود و حرکت به سمت خودکفایی منطقه‌ای است تا هم‌زمان با نبرد در حوزه‌های ژئوپلیتیک، نبض زیرساخت‌های اقتصادی‌اش را در شرایط فشار حداکثری حفظ کند.

در حالی که تنش در کریدورهای دریایی ادامه دارد، ایران با فعال‌سازی مسیرهای جایگزین، عملاً در حال بی‌اثر کردن محاصره دریایی است. خبر عبور ۲۴ کشتی در ۲۴ ساعت گذشته با هماهنگی سپاه و وزارت امور خارجه، پیامی از مدیریت کنترل‌شده بر تنگه هرمز است. اما بخش مهم‌تر این پازل در خشکی رخ می‌دهد؛ جایی که تانکرهای ریلی، با انتقال LPG به پاکستان را بر دوش گرفته‌اند حرکتی استراتژیک که وابستگی به مسیرهای دریایی را کاهش می‌دهد. در همین حال، در حوزه تولید انرژی،

بازار انرژی در التهاب

سقوط قیمت زیرسایه هشدار اکسون موبیل؛ تله آتش‌بس برای بازار

هشدار صریح اکسون موبیل مبنی بر اینکه اگر روند افت ذخایر طی ۲ تا ۳ هفته آینده ادامه یابد، قیمت برنت می‌تواند تا ۱۵۰ یا ۱۶۰ دلار جهش کند، نشان می‌دهد دستاوردی که در قیمت نفت ایجاد شده، بیش از آنکه حاصل یک توافق پایدار باشد، نتیجه بی‌تدبیری در بازی با زمان است. در واقع، بازار در حال حاضر با سیگنال‌های مقطعی آتش‌بس آرام نگه داشته شده، اما کمبود فیزیکی سوخت همچنان تهدیدی بالقوه برای ایجاد یک شوک قیمتی جدید است.

بازارهای جهانی نفت، به‌ویژه شاخص‌های برنت و WTI، به اخبار آتش‌بس واکنش فوری نشان داده و با افتی محسوس به محدوده ۹۲ و ۸۷ دلار رسیدند؛ افت شاخص فیزیکی به زیر ۱۰۰ دلار نیز مؤید همین هیجان‌زدگی بازار است. با این حال، تحلیلگران ارشد حوزه انرژی از جمله نیل چپمن، معاون اکسون موبیل، نسبت به این کاهش قیمت‌ها هشدار داده‌اند. استدلال آن‌ها فنی است: ذخایر بنزین و سوخت‌های تقطیری آمریکا به مرز بحرانی رسیده و وضعیت ذخیره‌سازی در اروپا نیز شکننده است.

چند فاز از پارس جنوبی هدف قرار گرفته است؛ جایی که امروز فرزندان این سرزمین در صنعت نفت، شبانه‌روز برای جبران خسارت‌ها و بازگرداندن تولید در تلاش‌اند. در این میان، سهم ما ساده اما مؤثر است: کمی کمتر مصرف کنیم. کاهش دمای خانه‌ها، خاموش کردن وسایل گرمایشی در فضاهای بلااستفاده و توجه بیشتر به مصرف گاز، یک اقدام کوچک از هر خانه، یک همراهی بزرگ برای کشور.

#یک شعله کمتر